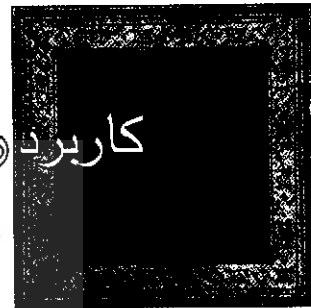


کاربرد روش های معنی شناسی در قرآن کریم

دکتر محمد علی لسانی فشارکی^۱
طیبه اکبری راد^۲



(از ص ۶۲ - ۷۷)

چکیده

فهم درستی معنای یک واژه نیازمند استفاده از روش های گوناگون معنی شناسی است تا به واسطه آن علاوه بر یافتن روابط میان واحدهای معنایی، به توصف دقیق این روابط نیز دست بیابیم. زمینه تحقیق در معنی شناسی، خود زبان است و معنی شناسی از طریق زبان و با بهره مندی از مجموعه ای از دیدگاه ها و روشها به دنبال درک معنی است. این مقاله سعی دارد تا با کمک برخی روش های معنی شناسی که در درک معنی کاربرد دارند و با استفاده از روابط معنایی در سطح جمله و همچنین بافت زبانی و یا تقابل معنایی یک واژه با واژه های دیگر، شناختی دقیق تر از واژه ها ارائه دهد. کلید واژه ها: معنی شناسی، روابط معنایی، تقابل معنایی، تفسیر موضوعی و مصداقی، لغت قرآن.

مقدمه

برای دانستن معنای یکی از واژه های قرآن، ساده ترین، متداولترین و غیر قابل اعتمادترین روش این است که هم معنای آن را به زبان فارسی ذکر کنیم. به عنوان مثال واژه کافر را بی ایمان و ظالم را

ستم گر و ذنب را گناه معنی می کنیم. هرکس با زبان عربی آشنا باشد پس از اندکی تأمل تصدیق می کند که این به ظاهر نزدیک ترین معادل ها حق واژه های اصلی را ادا نمی کنند. اگر بخواهیم به حقیقت معنی یک واژه در قرآن کریم دست یابیم، باید از روش های مختلف معنی شناسی استفاده کنیم تا به روابطی که میان واحدهای معنایی وجود دارد، دست یابیم.

سوسور (ص ۴۶۱) در بحث این که معنی چیست و ارزش معنایی کدامست مثال خوبی می زند. او می گوید هر یک از مهره های شطرنج جدا از یکدیگر هیچ ارزش یا معنی خاصی ندارند. معنی مهره های شطرنج در صفحه شطرنج و با نقشی که در این بازی دارند مشخص می شود. معنی شناسی واژه های کلیدی قرآن سؤال اصلی است که مقاله حاضر به دنبال پاسخ به آن است. در این مقاله تاریخچه ای از معنی شناسی، تعریف معنی شناسی، و برخی از روش های معنی شناسی که در تفهیم واژه های کلیدی قرآن، به کار گرفته می شوند، توضیح داده می شود.

روش های معنی شناسی

یکی از روش های درک مفاهیم واژه های کلیدی قرآن استفاده از زبان قرآن است، یعنی بهره گرفتن از ارتباط میان واژه ها، جمله ها و آیات. واژه ها در هر زبانی یک مجموعه اتفافی و تصادفی (مثل: خدا و انسان در قرآن)، بدون نظم و قاعده نیستند. بلکه یک شبکه به هم گره خورده را تشکیل می دهند (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۲۱). این امر خصوصاً در مورد قرآن کریم که کلام خداست و ما معتقد به اعجاز بیانی آن هستیم، مشهودتر است.

بعضی از مزایای استفاده از روش های معنی شناسی برای درک مفاهیم قرآن را می توان به صورت

زیر بیان کرد:

۱- این روش ها، سیستماتیک، منظم و قانونمند هستند.

- ۲- این روش‌ها، تعریف شده و مشخص هستند.
 - ۳- استاندارد بودن روش‌ها.
 - ۴- صحت و سقم نظرات قابل‌بازشناسی است.
 - ۵- راه تحلیل و بررسی بر روی افراد غیر متخصص بسته خواهد شد.
- ویژگی استفاده از این روش‌ها این است که ما می‌توانیم یک زبان استاندارد برای مفاهیم قرآن تعریف کنیم. مثلاً اگر در ایران با استفاده از این روش‌ها به یک جواب می‌رسیم، مسلمان دیگر در نقطه‌ای دیگر با استفاده از این روش‌ها به همان جواب خواهد رسید. بنابراین امکان مقایسه به وجود می‌آید. به عبارت دیگر ما می‌توانیم با استفاده از معنی‌شناسی یک زبان مشترک برای درک مفاهیم قرآن به وجود آوریم. از طرفی چون این روش‌ها، قانونمندند، سلیق شخصی در آنها کمتر جلوه می‌کند. البته بعضی از این روش‌ها مورد استفاده برخی از مفسران متقدم و متأخر بوده است که توضیح داده خواهد شد.

تاریخچه

از ظهور معنی‌شناسی به عنوان یک علم کمتر از نیم قرن می‌گذرد (لاینز، ۱۱). واژه فرانسه Semantique توسط "م. برآل"^۱ در ۱۸۹۳ م با اقتباس از زبان یونانی وضع شد. این اصطلاح تنها برای اطلاق به معنی به کار گرفته نشد. بلکه سیر تحول آن را که معنی‌شناسی تاریخی نامیده می‌شود، در بر گرفت. مدت زمانی به طول انجامید تا اصطلاح Semantics رسمیت یافت (پالمر، ۱۴). در سنت مطالعه معنی می‌توان معنی‌شناسی را به سه شاخه عمده تقسیم کرد و سه گونه معنی‌شناسی را از یکدیگر متمایز ساخت. معنی‌شناسی فلسفی، معنی‌شناسی منطقی و معنی‌شناسی زبانی. در معنی‌شناسی زبانی توجه سوی خود زبان است و معنی‌شناس با مطالعه معنی به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است (صفوی، ۲۸).

در معنی‌شناسی ما با مجموعه‌ای از نظریات و روش‌ها مواجه هستیم. این نظریات و روش‌ها هر کدام در وصف مسأله‌ای از مسائل معنی‌کاربرد دارند. به عنوان مثال در تحلیل معنی‌شناسی

عمل صالح در قرآن کریم به واقع نمی‌توان به یک نظریه و روش خاص در حوزه دانش معنی‌شناسی پایبند بود. بلکه روش‌های متعددی را می‌طلبند. در این مقاله به توضیح روش‌های معنی‌شناسی

ساخت‌گرا یعنی مطالعه ساخت‌گرایانه روابط معنایی در سطح واژه و جمله، مطالعات معنی‌شناسی تاریخی، توصیف معنی در چارچوب بافت زبانی و نظریه حوزه‌های معنایی که همگی در حوزه معنی‌شناسی زبانی (زبان‌شناختی) می‌گنجند، پرداخته خواهد شد.

روش‌ها

۱- معنی‌شناسی ساخت‌گرا و روابط معنایی

کریستال^۱ معنی‌شناسی ساخت‌گرا را گونه‌ای از معنی‌شناسی معرفی می‌کند که بر پایه اصول زبان‌شناسی ساخت‌گرا در چارچوب روابط معنایی به توصیف معنی می‌پردازد. بدین ترتیب بحث روابط معنایی^۲ چارچوب مطالعات معنی‌شناسی ساخت‌گرا را تشکیل می‌دهد (رهنما، ۱۸).

روابط معنایی را می‌توان در دو سطح واژه و جمله مورد بررسی قرار داد.

۱-۱- روابط مفهومی در سطح واژه.

۱-۱-۱- شمول معنایی:

این امکان وجود دارد که مفهومی بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود. در چنین شرایطی رابطه شمول معنایی^۳ مطرح خواهد بود که رابطه میان یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول آن است (صفوی، ۹۹-۱۰۰).

برای مثال واژه "جزء" معنایی شامل دارد که "ثواب" و "عقاب" زیر شمول‌های آن محسوب می‌شوند. "ثواب" و "عقاب" نیز نسبت به هم، هم شمول‌شمرده می‌شوند. یا واژه "صفح" (گذشت همراه با چشم‌پوشی) معنایی شامل دارد و "عفو" (گذشت و بخشش) زیر شمول آن است.

۱-۱-۲- هم‌معنایی

هم‌معنایی^۴ در اصطلاح به معنی یکسانی معنی^۵ است. معمولاً به هنگام تعریف هم‌معنایی

1- Crystal
2- Semantic Relation
3- Hyponymy

4- Synonymy
5- Sameness of meaning

گفته می‌شود که اگر دو واژه هم معنی به جای یکدیگر به کار روند در معنای زنجیره‌گفتار تغییری حاصل نمی‌آید. واقعیت این است که هم معنایی مطلق وجود ندارد و هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که در تمامی جملات زبان بتوانند به جای یکدیگر به کار روند و تغییری در معنی آن زنجیره پدید نیاورند (همو، ۱۰۶). گرچه هم معنایی مطلق وجود ندارد ولی هم معنایی نسبی وجود دارد و همواره مورد توجه فرهنگ‌نویسان بوده است. به عنوان مثال فلک - سفینه و جاریه در زبان عربی قرآن هر سه به معنی کشتی به کار رفته‌اند. نمونه دیگر عظیم و کبیر است که هر دو به معنی بزرگ به کار می‌روند.

۳-۱-۱- تقابل معنایی:

اغلب تصور می‌شود تقابل معنایی نقطه مقابل هم معنایی است. حال آن‌که هر یک از این دو بحث از ماهیتی کاملاً متفاوت برخوردارند. زبان‌ها الزاماً محتاج واژه‌های هم معنی نیستند و چنان‌که گذشت مشکل بتوان پذیرفت که هم معنایی مطلق وجود دارد. در حالی که تقابل معنایی یکی از ویژگی‌های نظام مند و بسیار طبیعی زبان است که می‌تواند دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد (پالمر، ۱۳۶-۱۳۷). اصطلاح تقابل معنایی^۱ به هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی معانی متضاد واژه‌ها به کار می‌رود. در معنی‌شناسی عمدتاً از اصطلاح تقابل^۲ به جای تضاد^۳ استفاده می‌شود. زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل به حساب می‌آید. در اینجا سه مورد از گونه‌های تقابل به اختصار معرفی می‌شود: ۱- تقابل میان صفات نظیر خیر، شر؛ معروف، منکر و ... در قالب تقابل مدرج^۴ طبقه بندی می‌شود. چراکه به لحاظ کیفیت قابل درجه بندی اند ۲- تقابل مکمل^۵ گونه‌ای از تقابل است که نفی یکی از دو واژه متقابل اثبات واژه دیگر باشد. مانند تقابل کفر / ایمان ۳- "تقابل دو سویه"^۶ در واژه‌هایی نظیر عمل و جزاء، بیع و شراء، دنیا و آخرت وجود دارد. این دسته از متقابل‌ها در رابطه دو سویه با یکدیگرند (صفوی، ۱۱۸). به این معنی که اگر عملی باشد جزائی هم است. اگر فروشی باشد، حتماً خریدی است.

۳-۱-۱-۴- تباین معنایی:

تقابل معنایی به دو واژه محدود می‌شود که معنای هر یک در تقابل با یکدیگر است، اما تباین

1- Semantic Opposition
2- Opposition
3- Antonymy

4- Gradable Opposition
5- Complementary Opposition
6- Symmetrical Opposition

معنایی^۱ در اصل نوعی تقابل معنایی است که میان مفهوم چند واژه در یک حوزه معنایی^۲ پدید می آید (همو، ۱۲۰).

۱-۲-۱- روابط مفهومی در سطح جمله

۱-۲-۱- شمول معنایی

آنچه در گذشته درباره شمول معنایی در سطح واژه مطرح شد، می تواند در طرح شمول معنایی در سطح جمله نیز الگوی بحث قرار گیرد. در چنین شرایطی وقوع واژه های شامل و واژه های زیر شمول درون یک جمله و به جای یکدیگر، جملاتی را حاصل می آورد که جمله شامل و جمله زیر شمول تلقی خواهد شد (همو، ۱۳۶). در این مورد می توان نمونه زیر را در نظر گرفت:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (البقرة، ۲۷۷).

در این آیه جمله های "اقاموا الصلاة" و "اتوا الزكاة" زیر شمول جمله عملوا الصالحات هستند (قرطبی، ۳۱۶/۱؛ فخر رازی، ۸۱/۳؛ ابن عطیه ۳۰۲/۱؛ رشید رضا، ۱۰۱/۳).

۱-۲-۲- هم معنایی

هم معنایی در سطح جمله بدان معنی است که بتوان در زنجیره گفتار، جمله ای را جانشین جمله دیگری کرد. بدون آن که معنی کل زنجیره گفتار تغییر کند. برای نمونه می توان آیه زیر را در نظر گرفت:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (الكهف، ۳۰).

در این جا جمله عملوا الصالحات هم معنای من احسن عملاً است (آلوسی، ۱۵).

۱-۲-۳- تضاد معنایی

تضاد معنایی در میان جملات، زمانی مطرح می گردد که جمله ای در معنای معکوس جمله ای دیگر به کار رفته است. رابطه تضاد معنایی دارای انواعی است که در سه گروه امکان طبقه بندی می یابد:

- نوعی تضاد صوری میان جملات متضاد مطرح است که از طریق وقوع تک واژه های منفی

ساز تحقق می‌یابد. مانند:

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَٰخِرِينَ (غافر، ۶۰)، إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (السجدة، ۱۵).

از این طریق سوء رفتار کسانی که متکبرانه و مغرورانه عمل می‌کنند، وصف می‌شود.

۲- گونه دیگری از این تضاد می‌تواند تضاد متقابل نامیده شود که با جا به جایی واژه‌های دارای تقابل مدرج یا تقابل مکمل شکل می‌گیرد، مانند: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (المائدة، ۹-۱۰).

از این تقابل می‌توان در جهت شناخت یکی از مصادیق عمل صالح که تصدیق آیات الهی است، بهره گرفت. لازم به ذکر است که از جمله آیات الهی احکام است که در آیه ۶ سوره مائده به بعضی از آنها اشاره شده است.

۳- برای گونه دیگر می‌توان از اصطلاح تضاد مشروط استفاده کرد و این در شرایطی است که تضاد میان دو جمله با نقض شرط لازم و کافی وقوع یابد. نمونه زیر چنین شرایطی را می‌نماید. الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (البقرة، ۲۷۵-۲۷۷).

از این تضاد مشروط می‌توان در جهت مصداق عمل صالح استفاده کرد. مصداق عمل صالح در این جا، ایجاد روابط سالم اقتصادی است. روابطی که در آن هر کس به اندازه عمل یا خدمت خود، مزد دریافت می‌کند و اصالت با کار و تولید است. نظامی که نه تنها در آن مسأله ربا حذف شده بلکه اگر نیاز و نیازمندی باشد به دنبالش صدقات خواهد بود.

۴-۲-۱- استلزام معنایی

در این رابطه معنایی، مفهوم یک جمله مستلزم مفهوم جمله دیگری است. به عبارت ساده تر

اگر جمله الف واقع شده باشد، جمله "ب" نیز وقوع یافته است. مانند "وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلَا نَفْسِهِ يَمَّهْدُونَ" (الروم، ۴۴). در این جا "من عمل صالحاً" مستلزم "من آمن" است. لازم به ذکر است که استلزام معنایی را می توان رابطه میان مفهوم جملاتی دانست که از طریق شرایط لازم و کافی واژه ها به یکدیگر مربوط می شوند. در این نمونه یکی از شرایط عمل صالح، ایمان است.

۵-۲-۱- از پیش انگاری

این امکان وجود دارد که بر حسب اطلاعات موجود درون یک جمله بتوان به اطلاعات دیگری دست یافت. در چنین شرایطی یک جمله می تواند پیش زمینه اطلاعاتی باشد که در جمله دیگر آمده است (صفوی، ۱۳۸). برای نمونه جملات زیر را در نظر بگیرید:

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (المؤمنون، ۵۱).

در این جا جمله كلوا من الطيبات پیش زمینه و "اعملوا صالحاً" تلقی می شود (ابن کثیر، ۲۰۶/۳؛ فخر رازی، ۲۸۱/۸؛ سبزواری نجفی، ۶/۵؛ مکارم شیرازی، ۲۵۶/۱۴).

۲- وصف معنی بر اساس بافت زبانی

برخی از زبان شناسان معتقدند معنای یک واژه را می توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی^۱ تعیین کرد. برای مثال دو واژه را در صورتی می توان هم معنی دانست که در هر بافتی بتوانند جانشین یکدیگر شوند. حتی اگر چنین استدلالی بدین معنی بیانجامد که هیچ گاه دو واژه نمی توانند هم معنی باشند (پالمر، ۱۵۸-۱۵۹).

به عبارت دیگر معنای یک واژه در چارچوب بافتی که در آن به وقوع پیوسته است، به طور کامل قابل وصف است. بافت زبانی بر محیط زبانی یک واحد زبان، یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار یا متن دلالت دارد (صفوی، ۲۱۲). محتوای این نظریه بر روابط مفهومی که در قسمت پیشین مطرح شد، بی شباهت نیست. زیرا معنی را بر حسب روابط موجود میان واژه ها و البته به صورت روابط همنشینی مورد بررسی قرار می دهد (پالمر، ۱۵۹).

شکل محدودتر این نظریه را می‌توان در مطالعات پورتسیک^۱ و آراء فرث^۲ درباره با هم آیی^۳ واژه‌ها جست. پورتسیگ دیدگاه خود را بر مبنای با هم آیی یک اسم با یک فعل یا یک صفت معرفی کرد و معتقد بود که رابطه معنایی بنیادینی میان واژه‌ها وجود دارد که به با هم آیی آنها منجر می‌گردد (صفوی، ۱۶۷). در این باره می‌توان با هم آیی "عمل" و "صالح" را نمونه آورد. به اعتقاد پورتسیگ با هم آیی یک اسم با صفت به دلیل ویژگی مشترکی است که این دو واژه را به یکدیگر پیوند می‌دهد. قابل تأمل است که در میان واژه‌هایی که در قرآن کریم برای کار نیک به کار برده شده‌اند، تنها واژه صالح با عمل با هم آیی و همنشینی دارد.

به اعتقاد پورتسیگ واژه‌های هم‌نشین یا صریحاً در بافت ظاهر می‌شوند یا به طور ضمنی به وسیله یک رابطه معنایی در نظام زبان تحقق می‌یابند (افراشی، ۳۴). برای نمونه معنی ایمان یا در با هم آیی با واژه عمل صالح قرار می‌گیرد یا می‌تواند متضمن معنای آن باشد. لذا در مواردی که در قرآن کریم عمل صالح با ایمان ذکر نشده متضمن معنای ایمان است. ایزوتسو نیز در روش تجزیه و تحلیل معنایی خود هفت راهکار را مطرح نموده که سه راهکار او در رابطه با بافت زبانی است (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ۴۷-۸۳) وی می‌گوید:

۱- گاه معنای دقیق یک واژه از روی بافت آن و از راه وصف لفظی روشن می‌گردد. این گونه تعریف را تعریف متنی یا بافتی می‌توان نامید. به عنوان مثال آیه: لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (البقرة، ۱۷۷). این آیه تعریف متنی و بافتی برآرا بیان می‌کند.

نمونه دیگر، آیات زیر است که در آنها تعریف بافتی عمل صالح ذکر شده است:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ . وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ . وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَقُولُوا لِلنَّاسِ

1- Portseag
2- Farth
3- Collocation

حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ (البقرة، ۸۲-۸۳).
در این آیه از عمل صالح و صف فشرده ای شده که عبارت است از عبادت خداوند، احسان به والدین و نزدیکان و یتیمان و مسکینان، با مهربانی و نیکویی با مردم سخن گفتن، به جای آوردن نماز و پرداخت زکات است.

نمونه دیگر آیات ۶۸ و ۶۹ سوره مائده است. در این آیات نیز بافت آیات و صف فشرده ای از عمل صالح برای یهود و نصاری ارائه می دهد که عبارت است از عمل در چارچوب تورات و انجیل. آیه ۱۲۰ سوره توبه نیز نمونه دیگری برای وصف عمل صالح بر اساس بافت زبانی است. خداوند در این آیه می فرماید:

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ .
عمل صالح در آیه شریفه عبارت است از پیروی از سنت های رسول اکرم (ص) و متحمل شدن سختی ها در راه خدا.

مثال دیگر آیه ۴۶ سوره هود است. در این آیه خداوند خطاب به نوح می فرماید: قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ.
این که چرا عمل پسر نوح غیر صالح شمرده شده است از بافت زبانی می توان استنباط کرد. در آیه ۳۷ این سوره می فرماید: وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنًا وَلَا تَخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ. در مورد کسانی که ظلم کردند با من سخن مگو زیرا ایشان غرق خواهند شد. بنابراین بافت زبانی نشان دهنده این است که عمل غیر صالح و ناشایست، همان ظلم اوست.

منظور از ظلم نیز باز بنا بر بافت زبانی ظلم به خدا یعنی عدم ایمان او است (قرطبی، ۴۲۸/۲).
در آیه ۴۰ همین سوره می فرماید: حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنَوُّرُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلِكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ.

هنگامی که واژه الف جانشین واژه ب در بافتی یکسان و یا در بافتی که از لحاظ ساختمان صوری مشابه است می شود، خواه برد استعمال آن بیشتر یا کمتر از واژه های ب باشد. این جانشینی

برای ما در بررسی معنایی هر دو واژه کمک بزرگی است، برای مثال آیات زیر را می‌توان نمونه آورد.

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ . ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (الأعراف، ۹۴-۹۵).

از مقایسه آیه ۹۴-۹۵ به خوبی ملاحظه می‌گردد که به جای عبارت "بالبأساء والضراء" در آیه ۹۵ واژه سیئه به کار رفته است بی آن که تغییر اساسی در معنی به وجود آید. از ملاحظه جانشینی، در می‌یابیم واژه سیئه که تقریباً معادل "بد" و "زشت" است می‌تواند در بعضی بافت‌ها نیز به معنای "سختی"، "بدبختی" و "تومیدی" به کار رود. نیز مشاهده می‌کنیم که سیئه در آیه ۹۵ با حسنة که عموماً به معنای خوب و نیک است، در تضاد است و واژه حسنة به نوبه خود در همان آیه به وسیله واژه سرء که تقریباً معنای شادی و خوشحالی دارد جایگزین شده است.

واژه‌ها و اصطلاحات اخلاقی در قرآن مجید عموماً در بافت‌هایی که اهمیت ژرف مذهبی دارند به کار می‌روند. با این همه می‌بینیم که همین واژه‌ها حتی در محدوده قرآن نیز در بافت‌های غیر دینی استعمال می‌شوند. از این جا جنبه‌های کاملاً مادی و ناسوتی معنای آن‌ها آشکار می‌گردد. به عنوان نمونه در آیات ۱۸-۱۹ سوره شعراء واژه کافر در بافت غیر دینی به کار رفته است. قَالَ أَلَمْ تُرَبِّكْ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ * وَفَعَلْتَ فَعَلْتَكِ الْبِئْسَ الْفِعْلُ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (الشعراء، ۱۸-۱۹).

این گفته فرعون به موسی در یک بافت معنایی غیر دینی است. در این جا مفهوم ناسپاسی به طور کامل به وسیله کفر نشان داده می‌شود (ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی دینی، ۷۴-۷۶).

این روش (بافت‌زبانی)، روشی است که همواره مورد استفاده مفسران متقدم و متأخر قرار گرفته است. مفسران به جای اصطلاح بافت‌زبانی از واژه سیاق استفاده کرده و می‌کنند. سیاق را به سه شکل سیاق کلمات، جمله‌ها و آیات بیان می‌کنند. در سیاق واژه‌ها و کلمات می‌توان به عنوان مثال واژه دین در آیه کریمه "مالک يوم الدين" را ذکر کرد. گویند: در این آیه کلمه دین در اثر سیاقی که از اضافه مالک به یوم و یوم به دین برای آن به وجود آمده، در معنای جزاء ظهور

پیدا کرده است و حال آن که اگر به تنهایی ذکر شود، ظهوری در این معنی ندارد. مقصود از سیاق جمله ها آن است که یک جمله از قرآن کریم قرینه برای جمله ای دیگر در همان آیه قرار گیرد و در تعیین مقصود از جمله دیگر مؤثر واقع شود. طبری از مفسران متقدم در تفسیر آیه کریمه: **أُولَئِكَ يَرْذَوْنَ كُفْرًا أَنْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتْ رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ** (الانبیاء، ۳۰) می گوید:

نزدیک ترین سخن به درستی، در تفسیر آیه، سخن کسی است که می گوید: آسمان و زمین از بارش و رویش بسته بود پس آسمان به بارش و زمین به رویش، باز و شکافته شد یا به دلیل قسمت بعدی آیه که می فرماید: **وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ** (طبری، ۲۱/۹).

و سید رضی در رد کسی که گفته است: مراد حق تعالی از آیه کریمه **قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلِّقُ مَنْ تَشَاءُ** بیدک الخیر **إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** (آل عمران، ۲۶)، ملک و داریی بهشت است، می گوید: این قول نزد من ناپسند است. چون سیاق این آیه و آیه ای که بعد از آن آمده است دلالت می کند که این ملکی که خدا (به هر کس بخواهد) می دهد و (از هر کس بخواهد) می ستاند، فقط در دنیا است، نه در آخرت (همو، ۶۵).

سیاق آیات

سیاق آیات از نظر بلندی و کوتاهی بسیار مختلف است. بعضی گویند: قرآن کریم بر حسب تعلیم پیامبر اکرم (ص) به ۵۵۵ واحد موضوعی تقسیم می شود. این تقسیم از دیرباز به "رکوعات قرآنی" مشهور بوده است. این رکوعات قرآنی که هر کدام یک واحد موضوعی هستند، حداقل محدوده سیاق آیات را مشخص می کنند (لسانی فشارکی، ۵۶) البته، با توجه به تعاریفی که معنا شناسان برای بافت زبانی ارائه می دهند، بافت زبانی، فراتر و گسترده تر از سیاقی است که همواره مورد استفاده مفسران متقدم و متأخر بوده است.

۳- معنا شناسی تاریخی

در این روش مطالعه تغییرات معنایی واحدهای زبانی در گذر زمان مورد مطالعه قرار خواهد

گرفت.

زبان خود قرآن را می‌توان همچون فرآیندی تاریخی در نظر گرفت که حدود بیست سال امتداد داشته و مشتمل بر دو دوره متمایز مکی و مدنی بوده است و پس از هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه زبان وحی از لحاظ معنی‌شناسی تغییری ژرف پیدا کرده و با توجه به موضوع مورد مطالعه به توضیح برخی از گونه‌های تغییر معنایی می‌پردازیم.

۱-۳- گسترش معنایی

مراد از گسترش معنایی^۱ آن است که دایره مدلول واژه توسعه یافته باشد. به عبارت دیگر واژه، حوزه معنایی خود را گسترش می‌دهد. برای نمونه می‌توان افزایش معنایی واژه "کفر" را در زبان قرآن مثال زد. کفر در زبان و فرهنگ عربی پیش از وحی به معنای ناسپاسی است که معنایی غیر دینی است. اما با نزول وحی، کفر در نظام معنایی قرآن دچار افزایش معنایی شده معنای "بی‌ایمانی" نیز بر معنای پیشین آن افزوده می‌شود.

۲-۳- کاهش یا تخصیص معنایی

مفهوم کاملاً متضاد گسترش معنایی یک واژه، کاهش معنایی^۲ آن است. یعنی این که دایره مدلول واژه کوچک‌تر شود. مثلاً واژه "صلاة" در فرهنگ و زبان عرب جاهلی به معنای مطلق هر گونه ذکر و دعاست. اما بعد از نزول وحی و در فرهنگ اسلامی دایره مدلول محدود می‌شود و صرفاً بر مجموعه‌ای از افعال و اذکار مشخص اطلاق می‌شود.

۳-۳- تغییر مدلول

نوعی از تغییر معنایی است که عبارت است از ادامه زندگی یک لفظ یا دال در شرایطی که معنی یا مدلول آن به شیوه‌های مادی یا معنوی (یعنی بر حسب برداشتی که از آن می‌شود) تغییر می‌یابد. بدون آن که فاصله قابل ملاحظه‌ای در سیر تحولی آن واژه پدید آید. مثالی واضح از این نمونه تغییر واژه "حنیف" در فاصله قبل و بعد از نزول وحی است. در فرهنگ عرب جاهلی "حنیف" به معنای گمراه و بد دین است اما در زبان وحی معنای "حنیف" در یک‌گردش معنایی به "در راه و راست دین" تغییر یافته است. نمونه دیگر واژه "تقوی" است. این کلمه در جاهلیت واژه‌ای بسیار معمولی بود و به معنی ایستار دفاعی موجود زنده "جانور یا انسان" در برابر نیروی

1- Semantic Widening

2- Semantic Narrowing

خارجی مخرب به کار می رفت. در قرآن به عنوان یکی از کلمات کلیدی برجسته اهمیت فراوان پیدا کرد. معنای زهد و پارسایی خالص و محض یافت (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ۸۴).

۴- حوزه های معنایی

حوزه معنایی^۱ را می توان مجموعه ای از واحدهای معنایی به شمار آورد که در یک وجه مشترک گرد آمده اند. به بیانی دیگر اشتراک در یک شرط لازم (شرطی که باعث افتراق مفاهیم است) سبب طبقه بندی واحدهای معنایی در یک حوزه معنایی می شود (صفوی، ۱۹۰). برای مثال حوزه معنایی واژه های مرتبط با کار نیک در قرآن تشکیل شده از عمل صالح، خیر، معروف، برّ و احسان. مطالعه رابطه میان واحدهای هم حوزه می تواند از دو دیدگاه در زمانی و هم زمانی صورت پذیرد. در مطالعه حوزه های معنایی با رویکرد زمانی می توان همان مثال گذشته و یا واژه های مرتبط با گناه در قرآن که تشکیل شده از ذنب، اثم، سیئه، خطیئه، جناح، فحشاء، منکر، سوء و فسق، نمونه آورد.

در مطالعه حوزه های معنایی با رویکرد در زمانی می توان تغییرات حوزه معنایی کافر را در نظام معنایی جاهلی و قرآن و نظام فکری خوارج ذکر کرد. در نظام جاهلی معنای ناسپاسی در برابر منعم را داشته و در قرآن کفر بیشتر در تقابل با اسلام به کار رفته است. در دوره های بعد تقابل مسلم و کافر وارد دستگاه کلامی شد. در آن جا تغییری در نگرش اساسی نسبت به این مسأله پیدا شد. به جای تقابل یگانه پرستان و کافران، تقابل تصورهای تازه ای دیده شد. فرقه خوارج تقابل اساسی میان مسلم و کافر را وارد حوزه تصورهای اسلامی کردند. ساخت درونی آن دیگر همان نیست که پیش از آن بوده است. بنابر نظر و اعتقاد خوارج مسلمانی که مرتکب گناه کبیره شود، دیگر مسلمان نیست، او را باید کافر و مستحق دوزخ دانست.

نمونه دیگر برای وقتی که در مطالعه حوزه های معنایی، الفاظ برای ما موضوعیت دارند، می توان تغییرات حوزه معنایی واژه های مرتبط با عمل صالح را در فاصله زمانی نزول وحی تا سال ها پس از نزول وحی مورد مطالعه قرار داد تا مشخص شود معنای واحدهای این حوزه معنایی و روابط میان آنها دست خوش چه تغییراتی شده است.

نتیجه‌گیری

امروزه فواید روشمند عمل کردن در تحقیق بر هیچ محقق‌پوشیده نیست. روش داشتن در تحقیق، انسان را سریع‌تر به هدف می‌رساند و نگاه فردی و انحصاری به قضایا را کم‌رنگ‌تر می‌کند.

برای درک مفاهیم واژه‌های کلیدی قرآن از روش‌های مختلف می‌توان استفاده کرد. قرآن کریم بنا به فرموده خداوند به لسان عربی مبین نازل شده است. بهترین راه برای درک معانی هر زبانی استفاده از روش‌های معنی‌شناسی است. در معنی‌شناسی توجه محقق معطوف به خود زبان است و معنی‌شناس از طریق زبان به دنبال درک معنی است. برخی از این روش‌ها عبارتند از: معنی‌شناسی ساخت‌گرا یعنی مطالعه ساخت‌گرایانه روابط معنایی در سطح واژه و جمله، توصیف معنی بر اساس بافت زبانی، معنی‌شناسی تاریخی و حوزه‌های معنایی. به عنوان نمونه برداری درک واژه‌کلیدی عمل صالح در قرآن کریم می‌توان از طریق با هم آیی و هم‌نشینی این واژه با ایمان و واژه‌های جانشین آن به تحلیل پرداخت. در آیات دیده می‌شود که هم آیی و هم‌نشینی ایمان و عمل صالح زمینه‌ساز آثار دنیوی و اخروی فراوان است. از طریق هم‌نشینی و هم‌چنین تقابل معنایی در سطح واژه می‌توان به وصف عمل صالح و تعریف آن از نگاه قرآن پرداخت. در مشتقات مختلف این واژه با مطالعه واژه‌های هم‌نشین می‌توان به معانی ضمنی آنها نیز پی برد. برخی از این معانی ضمنی مورد توجه قرآن‌شناسان و مفسران بوده است. رابطه معنایی در سطح جمله و بافت زبانی نیز در شناخت مصادیق عمل صالح مؤثر خواهند بود.

● منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بی تا و بی جا.
- ۲- ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
- ۳- افراشی، آزیتا، اندیشه‌هایی در معنی‌شناسی، تهران، ۱۳۸۱ش.
- ۴- اندلسی، ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
- ۵- ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۷۳ش.
- ۶- هومو، مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۸۰ش.

- ۷ - بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، به کوشش محمود رجبی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۸ - پالمر، فرانک، نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ۹ - رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، دارالفکر، بی تا و بی جا.
- ۱۰ - رهنما، هادی، معنی شناسی نام های معاد در قرآن کریم، دانشگاه امام صادق (ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۲ش.
- ۱۱ - سبزواری نجفی، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۴۰۲ق.
- ۱۲ - سوسور، فردینان، ساختگرایی پساساختگرایی و مطالعات ادبی، مجموعه مقالات مبانی ساخت گرایی در زبان شناسی، ترجمه کوروش صفوی، به کوشش فرزانه سجودی، تهران، ش.
- ۱۳ - سید رضی، محمد، حقایق التأویل، بیروت، دارالمهاجر للطباعة والنشر والتوزیع، بی تا.
- ۱۴ - صفوی، کوروش، درآمدی بر معنی شناسی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۱۵ - طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ۱۶ - فخر رازی، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بی تا و بی جا.
- ۱۷ - قرطبی، محمد بن احمد، مختصر تفسیر القرطبی، بیروت، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.
- ۱۸ - لاینز، جان، مقدمه ای بر معنی شناسی زبان شناختی، ترجمه حسین واله، تهران، ۱۳۸۳ش.
- ۱۹ - لسانی فشارکی، محمد علی و مرادی زنجانی، حسین، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، زنجان، ۱۳۸۵ش.
- ۲۰ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ۱۳۵۳ق/۱۳۶۶ش.